



در خدمت همشهریان عزیز

دوخت فرم مدارس متوسطه اول و دوم

شامل مانتو، شلوار ، مقنعه و انواع شومیز

سفارش همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۴ - میر مجیدی



کمبود زیرساخت بزرگ ترین مانع توسعه صنایع گلستان است



حصیر با فان «قره شور»:
دست‌هایی که خاک را هنر می‌کنند



جهش گردشگری گلستان؛
تصویب سه سایت شنا و بازنگری حریم ساحلی



مربیان آگاهی جنسی را به کودکان منتقل کنند



«人»

٢

۳

3

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

سه شنبه ۲۸ مرداد ماه ۱۴۰۴ / سال بیست و هفتم / شماره ۳۰۲۸ / ۸ صفحه / ۲۵۰۰ تومان

وسایلی که شب‌ها باید خاموش شوند!



« »

کیمیایِ هویت و آزادی:
کاوشی در فیلم بیچارگان (Poor Things)



« »

ناکارآمدی

■ با مسوولیت سر دییر

قطعی مکرر برق، کمبود آب شرب و کشاورزی و وضعیت نامناسب معیشتی، تنها بخشی از مشکلاتی است که مردم گلستان این روزها با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. برای درک بهتر این وضعیت، لازم است به ریشه‌های این بحران‌ها نگاهی دقیق‌تر بیندازیم. سوءمدیریت در تخصیص و بهره‌برداری از منابع آبی، یکی از عوامل اصلی کمبود آب در استان است. عدم سرمایه‌گذاری مناسب در زیرساخت‌های آب و فاضلاب و عدم توجه به روش‌های نوین آبیاری، این بحران را تشدید کرده است. از سوی دیگر، عدم پیش‌بینی افزایش مصرف برق در فصول گرم سال و فقدان سرمایه‌گذاری کافی در تولید و توزیع برق، منجر به قطعی‌های مکرر شده است. این قطعی‌ها نه تنها زندگی روزمره مردم را مختل کرده، بلکه به بخش‌های تولیدی و اقتصادی استان نیز آسیب می‌رساند. نرخ بالای بیکاری، تورم و کاهش قدرت خرید مردم، وضعیت معیشتی بسیاری از خانواده‌های گلستانی را به خطر انداخته و عدم حمایت کافی از تولیدکنندگان داخلی و کشاورزان، این مشکلات را تشدید کرده است.

برای برون‌رفت از این وضعیت، لازم است رویکردی جامع و کارآمد در پیش گرفته شود. پر واضح است که مسئولان باید پاسخگویی عملکرد خود باشند و با شفافیت، اطلاعات لازم را در اختیار مردم قرار دهند. برای حل مشکلات، باید از ظرفیت‌های مردمی و نخبگان استان استفاده شود. نادیده گرفتن نخبگان استان را به باتلاقی از فرصت‌های از دست‌رفته بدل می‌کند. مغزهای متفکر بومی، سرخورده و مهاجرت می‌کنند، پروژه‌های خلاقانه در نطفه خفه می‌شوند و تصمیمات کلیدی بر اساس روابط گرفته می‌شوند، نه دانش و تخصص. نتیجه؟ عقب‌ماندگی و نارضایتی عمومی. تشکیل شوراهای مشورتی و برگزاری جلسات پرسش و پاسخ می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی و مشارکت مردم در حل مشکلات کمک کند. رویکردهای سنتی و ناکارآمد باید با روش‌های نوین و کارآمد جایگزین شوند. سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین، حمایت از تولیدکنندگان داخلی، کشاورزان، و توسعه زیرساخت‌ها، می‌تواند به بهبود وضعیت استان کمک کند. انتقاد حق مردم است و باید مورد توجه قرار گیرد. مسئولان باید با سعه صدر، به انتقادات گوش دهند و در جهت رفع مشکلات اقدام کنند. در پایان، باید تأکید کرد که حمایت از مدیران نباید به معنای چشم‌پوشی از مشکلات و نادیده گرفتن مطالبات مردم باشد. بزرگان و ریش سفیدان می‌توانند با ایفای نقش میانجی‌گرانه، پلی بین مردم و مسئولان باشند و با انتقال صحیح و شفاف مشکلات و مطالبات مردم به مسئولان، به حل بحران‌های موجود کمک کنند.

ندای طبیعت را

بسنویم



کند و از مناطقی در نزدیکی مسپهره و زیستگاهها دور کند و به طور بالقوه باعث کاهش بیشتر زیستگاهی شود که متأسفانه هر روز در حال کوچک شدن است. بنابراین، بیا باید این عبارت را ملکه ذهنمان کنیم: در طبیعت و جنگل و پارکهای جنگلی نگذاریم صدایی جز صدای طبیعت حاکم باشد. استفاده از اسپیکر در طبیعت و به ویژه جنگل هیرکانی می‌تواند اثرات مخربی بر حیات وحش و پرندگان و محیط زیست داشته باشد. صداهای بلند و ناگهانی می‌توانند باعث ترس و فرار پرندگان و حیوانات از زیستگاهشان و کر شدن گوش آنان، اختلال در ارتباطات طبیعی و زادآوری آنها، و در نهایت کاهش جمعیت گونه‌های مختلف شوند. همچنین، آلودگی صوتی می‌تواند بر سلامت گیاهان و کیفیت خاک نیز تأثیر منفی بگذارد. در این نوشتار به صورت مختصر به تأثیرات زیانبار اسپیکرها و صداهای بلند در طبیعت و در جنگلهای هیرکانی می‌پردازیم...

ادامه در صفحه ۲

توانایی انسان و پرندگان آسیب را به آلودگی صوتی می‌تواند بر موم‌ها نیز تأثیر بگذارد. جانوران، خزندگان و حشرات همگی برای برقراری ارتباط با یکدیگر می‌کنند و سروصدا در مسیر گاه می‌تواند بر زندگی آن‌ها بیرون ناپذیر بگذارد. با این‌ها، چون آمار و ارقام دقیق، می‌توان دداهای مصنوعی و ناآشنا و البته تواند زندگی آن‌ها را مختل

مقرر در فضای باز را آلودگی صوتی می گویند. آلودگی صوتی را برحسب واحد دسی بل اندازه گیری می کنند. میزان آلودگی صوتی در هر مکانی بر حسب شدت صوتی مشخص شده طبق جدول استاندارد آلودگی صوتی سازمان حفاظت محیط زیست متفاوت می باشد. اما می توان گفت از ۸۵ دسی بل به بالا به عنوان آلودگی صوتی در تمامی مکان های باز و سرپوشیده محسوب می شود که این مقدار شدت صوت

محمد اسماعیل اسدی- گاهگاهی
در طبیعت و در جنگلهای هیرکانی
مشاهده می شود که برخی از طبیعت
گردانها، شهروندان، گردشگران،
نوهنوردان و عاشقان طبیعت با یک یا
چند بلندگوی بزرگ (اسپیکر) و باندهای
خودروکه در دست حمل می کنند و یا
بر روی فرمان دوچرخه نصب کرده اند
و یا در نقطه ای درون جنگل مستقر
کرده اند مبادرت به پخش موسیقی
و آهنگهای با صدای بلند می کنند.
برخی دیگر از گردشگران را نیز میتوان
مشاهده نمود که با استفاده از گوشه
ها یا هدست (Headset) که
در گوش خود کارگذاشته اند گویی در
این طبیعت بسر نمی برند و باندهای
طبیعت قهرند. آلودگی صوتی و برخی
رفتارهای ناهنجار گردشگران اندک که
اغلب با هدف افزایش لذت از سفر و
ایجاد فضایی شاد انجام می شود، در
واقع تأثیری مخرب و جبران ناپذیر دارد.
زیست بوم ها و حیات وحش در
طبق تعریف سازمان محیط زیست
پخش و انتشار هر گونه صوت، صدا
و ارتعاش مربوط، بیش از حد مجاز و

ادامه تیر اول



۱- فرار حیوانات و اختلال در زیستگاه: حیوانات وحشی به صداهای طبیعی عادت دارند و صداهای بلند و غیرمنتظره مانند صدای اسپیکر، آنها را می‌ترساند و مجبور به ترک زیستگاهشان می‌کند. این موضوع می‌تواند تعادل اکولوژیکی جنگل را به هم بزند و بر زنجیره غذایی تأثیر بگذارد. پرندگان شکاری مانند عقاب ها و جغدها که برای شکار به شنوایی دقیق خود نیاز دارند، در صورت وجود صدای زیاد، توانایی شکار خود را از دست می دهند و در نهایت ممکن است از گرسنگی تلف شوند.

۲- آسیب به پرندگان وزادآوری آنان: در بین جانوران پرندگان نسبت به آلودگی صوتی حساستر می باشند و بیشتر تحت تأثیر قرار می گیرند. پرندگان از صداهای بلند و ناگهانی به شدت می‌ترسند و ممکن است لانه و تخم‌های خود را رها کنند. این موضوع می‌تواند باعث کاهش جمعیت پرندگان و اختلال در پراکنش بذر گیاهان شود. پژوهشهای بسیاری نشان داده است که آلودگی صوتی تأثیر مستقیم بر میزان زادآوری پرندگان دارد، به عنوان مثال، در برخی مناطق که میزان سروصدای انسانی زیاد بوده، پرندگانی مانند دارکوب ها، بلبل ها و سهره ها تخم گذاری کمتری داشته اند و برخی از آن ها حتی منطقه را ترک کرده اند، این موضوع در درازمدت می تواند باعث کاهش تنوع زیستی در یک منطقه شود.

۳- اختلال در ارتباطات حیوانات: حیوانات و پرندگان از صداها و آواها برای برقراری ارتباط با یکدیگر، پیدا کردن جفت، هشدار به یکدیگر در برابر خطر و آتش سوزی استفاده می‌کنند. صداهای بلند و ناگهانی می‌تواند این ارتباطات را مختل کرده و حیوانات را در معرض خطر قرار دهد. پخش موسیقی با صدای بلند می تواند این ارتباط را مختل کند، برای مثال گوزن ها و خرگوش های وحشی برای هشدار دادن به هم نوعان خود از صداهای خاصی استفاده می کنند که اگر میان صدای بلند موسیقی گم شود، آن ها ممکن است نتوانند به موقع از خطر فرار کنند.

۴- آلودگی صوتی: علاوه بر تأثیر بر حیوانات، آلودگی صوتی می‌تواند بر سلامت گیاهان و کیفیت خاک

نیز تأثیر منفی بگذارد. صداهای بلند می‌توانند باعث استرس در گیاهان شده و رشد آنها را کند کنند.

۵- تخریب آرامش و سکوت جنگل: جنگل هیرکانی به دلیل زیبایی و آرامش خود شناخته شده است. استفاده از اسپیکر در این محیط، آرامش و سکوت جنگل را از بین می‌برد و تجربه طبیعت را برای بازدیدکنندگان و همچنین حیوانات وحشی مختل می‌کند.

۶- خطر برای انسان‌ها: در برخی موارد، صداهای بلند می‌توانند برای انسان‌ها نیز مضر باشند و باعث آسیب به شنوایی یا ایجاد استرس شوند.

۷- افزایش برخورد حیوانات با جاده ها و انسان ها: زمانی که حیوانات به دلیل آلودگی صوتی از زیستگاه خود فرار می کنند، بیشتر در معرض تصادفات جاده ای قرار می گیرند. گزارش های بسیاری حاکیست که افزایش رفت و آمد حیوانات وحشی به جاده ها در برخی مناطق، ناشی از فرار آن ها از سروصدای ایجادشده در طبیعت بوده است. بسیاری از کشورها با درک تأثیرات مخرب آلودگی صوتی، قوانینی سخت گیرانه برای جلوگیری از این معضل وضع کرده اند، برخی از این قوانین مختصرا ذکر می گردد. در پارک های ملی کشور آلمان، پخش موسیقی با صدای بلند مشمول جریمه های سنگین است و در صورت تکرار، فرد ممکن است محدودیت ورود به مناطق طبیعی را دریافت کند. در کشور اروپایی

سوئیس که خیلی از هموطنان کشور ما بدون اینکه این کشور را دیده باشند پز پاکیزگی آن را می دهند، قوانین زیست محیطی این کشور تصریح کرده است که هرگونه تولید آلودگی صوتی در طبیعت غیرقانونی است و متخلفان ممکن است تا چند هزار فرانک جریمه شوند. در کشور آمریکا، و در پارک های ملی مانند یلوستون و یوسمیتی، پخش موسیقی با صدای بلند ممنوع است و محیط بانان حق دارند افراد خاطی را از منطقه اخراج کنند. در کشور سوئد جنگل بانان می توانند افرادی را که با صدای بلند در طبیعت اختلال ایجاد می کنند، جریمه کنند و حتی اسپیکرهای آن ها را ضبط نمایند. در کشور محیط زیستی هلند و در کلیه پارکها و جنگلهای مصنوعی و طبیعی تابلوهایی هشداردهنده مبنی بر عدم استفاده از اسپیکر و پخش آهنگ با صدای بلند نصب گردیده است. در پایان این نوشتار مختصر و به عنوان توصیه یک خادم طبیعت باید گفت: حیات وحش و جنگل به شدت به محیط آرام و طبیعی خود وابسته است. آلودگی صوتی ناشی از صدای زیاد موسیقی می تواند تأثیرات منفی متعددی بر حیوانات و پرندگان داشته باشد، که برخی از مهم ترین آنها عبارت اند از: افزایش تنش و تغییر رفتار حیوانات، کاهش زادآوری پرندگان و سایر گونه ها، اختلال در ارتباط و سیستم هشدار حیوانات، افزایش برخورد حیوانات با جاده ها و انسان ها. پس توصیه می شود که موارد زیر را اگر واقعا عاشق طبیعت

هستیم و خواهان پایداری استفاده از این همه مواهب خدادادی هستیم باید موارد زیر را حتما رعایت نماییم:

۱- سفرهای طبیعت گردی و گردشگری در جنگل و طبیعت بسیار فرحبخش و زیباست. اما تفریح نباید به قیمت آسیب رساندن به محیط زیست و حیات وحش تمام شود، ضروری است که مردم با درک اثرات مخرب آلودگی صوتی، از استفاده از اسپیکرهای بزرگ و صدای بلند در طبیعت پرهیز کنند، در عین حال، سازمان های مسئول باید با تصویب قوانین و اجرای نظارت های سخت گیرانه، از تکرار این تخلفات جلوگیری کنند. سعی کنید در طبیعت و به ویژه در جنگل ها از پخش موسیقی با صدای بلند خودداری کنید.

۲- به جای موسیقی، از صدای طبیعت لذت ببرید.

۳- در طبیعت گوش جان بسپاریم به صدای طنین باد در شاخه های درختان و آواز خوش الحان پرندگانی نظیر دارکوب، سینه سرخ، سهره، توکا، چرخ ریسک و غیره.

۴- در حفظ آرامش و سکوت جنگل کوشا باشید تا همه بتوانند از زیبایی های آن بهره مند شوند.

۵- محیط بانان و جنگل بانان، در سخت ترین شرایط، جان خود را برای حفاظت از حیات وحش و طبیعت به خطر می اندازند که نمونه اخیر آن شهید محمود شهرمادی از استان گلستان بود که در ماه امرداد سال جاری بدست شکارچیان متخلف به شهادت رسید. آن ها شبانه روز در مناطق دورافتاده فعالیت می کنند تا از شکار غیرقانونی، قطع درختان و آلودگی های زیست محیطی جلوگیری کنند. وقتی این افراد جان خود را برای حفظ طبیعت فدا می کنند، ما نباید با رفتارهای غیرمسئولانه، زحمات آن ها را از بین ببریم.

۶- موارد بازدارنده ای که می تواند توسط سازمان محیط زیست و سازمان منابع طبیعی و شهرداری ها و دادستانهای کشور اجرا شود، عبارت اند از: تعیین جریمه نقدی برای پخش موسیقی با صدای بلند در مناطق طبیعی و پارکهای جنگلی نظیر پارک جنگلی هیرکانی النگدره گرگان، ایجاد تابلوهای هشداردهنده در مناطق گردشگری و جنگلی، تشدید نظارت محیط بانان و جنگل بانان بر تخلفات صوتی، فرهنگ سازی از طریق رسانه ها و شبکه های اجتماعی و نهایتا حمایت از محیط بانان و جنگل بانان و ادای رسالت اجتماعی شهروندان.

پژوهشگر ارشد آب و خاک و حافظ طبیعت هیرکانی

کمبود زیر ساخت بزرگ ترین مانع توسعه صنایع گلستان است

بلندمدت و خدمات حمایتی فراوانی ارائه می‌دهند. متأسفانه در استان و کشور ما بخش قابل توجهی از سرمایه صرف خرید زمین می‌شود که می‌توان با اصلاح سیاست‌ها و فراهم کردن شرایط اجاره بلندمدت و استفاده از انرژی‌های نو، به ویژه خورشیدی، هزینه‌های سرمایه‌گذاران را کاهش داد و منابع مالی را بهتر مدیریت کرد. مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی گلستان، مسئله بانک‌محوری در سرمایه‌گذاری را چالشی مهم دانست و تأکید کرد: در کشور ما سرمایه‌گذاران معمولاً باید بخش بزرگی از منابع مالی پروژه را از طریق تسهیلات بانکی تأمین کنند و وقتی فعالیت بانک‌ها محدود یا کند می‌شود، روند سرمایه‌گذاری نیز به طور جدی آسیب می‌بیند که این مسئله به ویژه در شرایط فعلی اقتصادی کشور، یکی از بزرگ‌ترین موانع پیشرفت است. شهرمادی در ادامه به اهمیت رعایت اخلاق حرفه‌ای و دقت در اطلاع‌رسانی اشاره کرد و گفت: اظهارنظرهای غیرکارشناسی، بزرگنمایی مشکلات و انتشار اخبار غیرموثق، نه تنها به حل مسائل کمک نمی‌کند بلکه موجب ایجاد فضای ناامیدی و بدبینی در جامعه می‌شود.



خود حمایت ویژه‌ای دارند، افزود: کشورهای اطراف ما، به خصوص حوزه خلیج فارس، به واحدهای صنعتی خود تسهیلات ارزان‌قیمت، زمین‌های اجاره‌ای

زیرساخت‌ها و همچنین ارائه حمایت‌های بانکی، می‌توانند به شکل چشمگیری رشد کنند. وی با اشاره به تجربه کشورهای همسایه و منطقه که از صنعتگران

مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی گلستان تأکید کرد: نبود زیرساخت‌های مهم مانند برق و آب و همچنین مشکلات تأمین سرمایه و حمایت‌های بانکی، چالش‌های اصلی پیش روی سرمایه‌گذاران و واحدهای صنعتی استان است. به گزارش روابط عمومی، رضا شهرمادی به تشریح وضعیت صنعت و تولید در استان پرداخت و مشکلات پیش‌روی واحدهای صنعتی گلستان را بیان کرد. وی با بیان اینکه بسیاری از خانواده‌ها امرار معاش خود را از طریق فعالیت واحدهای صنعتی واقع در شهرک‌های استان تأمین می‌کنند، گفت: زندگی تعداد زیادی از مردم استان به فعالیت این واحدها وابسته است و با وجود مشکلات متعدد، فعالان صنعتی با انگیزه و علاقه در این مسیر گام برمی‌دارند. شهرمادی، نبود زیرساخت‌های مهم مانند برق و آب را از اصلی‌ترین چالش‌های موجود برای توسعه واحدهای صنعتی دانست و اظهار کرد: به عنوان مثال در شهرک صنعتی اترک هنوز مشکل برق به طور کامل رفع نشده است و پروژه‌های سرمایه‌گذاری و توسعه‌ای که در این شهرک‌ها در حال اجراست، در صورت تأمین این

یکی از حلقه های زنجیره مدیریت یکپارچه منابع آب، استحصال آب از هوا و به عبارت دیگر، تقطیر رطوبت موجود در اتمسفر است. راههای گوناگونی از قدیم الایام در مناطق مختلف ایران و جهان وجود داشته است که مردم با این روش ها بخشی از آب مورد نیاز خود را تامین کرده اند. در سالهای اخیر با توجه به توسعه استفاده از کولرهای گازی و اسپیلت، و نظر به این که تقطیر بخشی از رطوبت هوای پیرامون آن، بخشی از فرآیند خنک سازی محیط است، و از سوی دیگر، کمبود منابع آب به دلایلی همچون تغییرات اقلیمی و خشکسالی های پیاپی و درازمدت، منابع آب در دسترس را کاهش داده است، لذا جمع آوری و استفاده از آب تقطیر شده توسط کولرهای گازی و اسپیلت ها می تواند بخشی از آب مورد نیاز انسان را تامین نماید. در فرآیند کار کولر گازی، رطوبت موجود در هوای داخل خانه با محل کار به دلیل سرد شدن اواپراتور، متراکم و تبدیل به آب شده که به آن آب تقطیر شده گفته می شود. کولرهای گازی دارای یک لوله تخلیه دارای شیب مناسب هستند که آب تقطیر شده را به بیرون هدایت می کند که معمولا در فضای باز رها شده و بلافاصله مجددا تبخیر شده و به اتمسفر بر می گردد و به عبارت صحیح تر به هدر می رود، اما می توان با استفاده از روش های مناسب، این آب را مدیریت، جمع آوری و از آن استفاده کرد. نگاهی به خصوصیات این منبع مناسب آب در دسترس که به سادگی از کنار آن عبور می کنیم، می تواند ما را به استفاده از آن ترغیب کرده و بخشی از آب مورد نیاز ما را تامین کند. حجم آب تولیدی کولر گازی به عوامل مختلفی از جمله

مورد استفاده خود را در یک مخزن یا ظرف جمع آوری کند، می تواند از آن برای مصارف مختلف استفاده کرده و بخشی از آب مورد نیاز خود را به صورت آماده و بدون هزینه تامین نماید. آب کولر گازی به دلیل خلص و عاری از املاح و رسوبات بودن، می تواند برای مصارف مختلفی استفاده شود که برخی از آنها عبارت است از: تمیز کردن سطوح خانه مانند میز، کابینت و کاشی های سرویس بهداشتی (بدون املاح بودن آن، سطوح را بدون نیاز به مواد شوینده سنگین براق می کند)، استفاده برای اتو بخار (این آب به دلیل سختی پایین، مانع از ایجاد رسوب در منافذ اتو می شود و عملکرد آن را بهبود می بخشد)، شستشوی حیاط و پارکینگ، پر کردن مخازن سیفون ها، شستشوی خودرو (به دلیل سختی پایین، ردی از لکه بر روی شیشه ها یا بدنه خودرو باقی نمی گذارد)، استفاده در رادیاتور خودرو (این آب خنثی بوده و به دلیل سختی کم، از رسوب گذاری در سیستم خنک کننده خودرو جلوگیری می کند)، آبیاری گیاهان و گل ها (این آب برای برخی گیاهان مقاوم مناسب است. برای گیاهان حساس، این آب با آب لوله کشی مخلوط شود)، استفاده در کولر آبی به عنوان جایگزین آب شهری، استفاده در سیستم های خنک کننده و مه پاش در فضاهای باز در خاتمه باید توجه داشت که آب استحصال شده از کولرهای گازی به هیچ وجه قابل شرب نیست و نباید برای این مصرف مورد استفاده قرار گیرد.

کارشناس مسائل آب- مدیرکل اسبق آب منطقه ای گلستان

«

جمع آوری آب کولرهای گازی، حلقه ای مؤثر در #مدیریت یکپارچه منابع آب



سمید محسن حسینی (برساوش)

حصیربافان «قره شور»

دست هایی که خاک را هنر می کنند

برای پیری داشته باشند، آمد تا ببیند و حالا چشم امید این مردم به او و امثال اوست به تصمیماتی که در اتاق های دور از قره شور گرفته می شود اما می تواند زندگی اهالی این روستا را دگرگون کند. قره شور با همه کوچکی اش در نقشه، دنیایی از هنر، اصالت، تلاش و غرور است اما این دنیا اگر تنها بماند اگر صدايش به جایی نرسد، شاید روزی رشته های نی و جارو ساکت شوند و دست ها بیکار بمانند. برخورداری از بیمه تامین اجتماعی نه لطف است نه امتیاز، مطالبه ای است از دل هنری پرریشه و از مردمانی سربلند حمایتی که اگر امروز اتفاق بیفتد فردا روستایی خواهد داشت که نه تنها گذشته اش را حفظ کرده که آینده ای روشن نیز در پیش دارد.

قول مساعد دولت برای بیمه هنرمندان حصیرباف قره شور

فرماندار کلاله از آغاز پیگیری های رسمی برای بیمه هنرمندان حصیرباف و جاروباف روستای قره شور خبر داد و گفت: با مدیرکل تامین اجتماعی گلستان، رایزینی شده و وی قول داده که در مرحله نخست ۱۰۰ نفر از فعالان این حوزه تحت پوشش بیمه قرار گیرند. محمود سالاری افزود: درخواست ما بیمه برای بیش از ۲۰۰ نفر از اهالی قره شور بود اما در گام نخست قول تامین سهمیه برای بیمه ۱۰۰ نفر داده شده است. وی اضافه کرد: طی روزهای آینده، جلسه ای برای بررسی مدل و نوع بیمه پردازی هنرمندان جارو و حصیربافی اهالی روستای قره شور برگزار تا مسیر اجرایی آن نهایی شود. فرماندار کلاله همچنین بابیان اینکه تلاش بر این است که فرآیند بیمه پردازی در سریع ترین زمان ممکن آغاز شود، ادامه داد: اگر سازمان تامین اجتماعی امکان اجرای بیمه در میانه سال را داشته باشد امیدواریم تعاضی از این هنرمندان تا پایان امسال بیمه شوند در غیر این صورت از ابتدای سال آینده شاهد تحت پوشش قرار گرفتن آن ها خواهیم بود. سالاری یادآور شد: این پیگیری ها در راستای سفر اخیر وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به قره شور و در پاسخ به مطالبه جدی اهالی روستا در زمینه امنیت شغلی، در حال انجام است.



پشت دارهای ساده حصیربافی و جارو بافی می نشینند، در قبال زحماتشان نه پاداشی آن چنانی دارند نه امنیتی شغلی برای آینده در سال های پیری، اگر روزی بیمار شوند و یا دیگر توان بافتن نداشته باشند چه کسی قرار است پشت آن ها بایستد؟ نبود بیمه یعنی نبود آینده ای مطمئن یعنی اضطرابی مداوم در دل کسانی که تنها خواهان زندگی ای آرام با دستانی سازنده اند. همین دغدغه ها و مطالبات بود که باعث شد شامگاه ۹ مردادماه امسال «احمد میدری» وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی قدم در کوچه های پر از حصیر و جاروی قره شور بگذارد او آمد تا از نزدیک ببیند، بشنود و لمس کند، آمد تا با چشمان خود کارگاه هایی را ببیند که بدون برق صنعتی، تسهیلات دولتی، بازار تضمینی و مهم تر از همه بدون بیمه سرپا مانده اند. صدای زنانی را شنید که دست هایشان ترک برداشته اما هنوز می بافند گلایه های مردانی را شنید که سال ها جارو بافته اند بی آن که پشتوانه ای

وقتی وارد کارگاه های کوچک خانگی این روستا می شوی چیزی فراتر از کار و تولید می بینی اینجا صمیمیت در هوا موج می زند، بچه ها در گوشه ای بازی می کنند، پیرمردی از خاطرات خود با نی ها و جاروها می گوید و زنی جوان با دقت و حوصله رشته ها را به هم می تابد و سبلی و جاروی تازه متولد می کند. بوی نی و جاروی خیس خورده، بوی زندگی می دهد بویی که در هیچ کارخانه ای تکرار نمی شود هر تولیدی که از این روستا خارج می شود حامل داستانی است که خمیده اند اما شکسته نیستند داستانی که از دل خاک ارزش و هنر می آفرینند. اما پشت این همه شور و تلاش و مهارت دغدغه ای تلخ و مزمن ذهن و دل کارآفرینان قره شور را به خود مشغول کرده و آن نداشتن بیمه تامین اجتماعی است. سال هاست که زنان و مردان این دیار بدون هیچ حمایتی تنها با تکیه بر تلاش خود چرخ این هنر را می چرخانند، کارگران و هنرمندانی که از صبح تا شب،

در روستای قره شور کلاله، ۳۵۰ خانوار با مهارت و پشتکار، هنر حصیربافی و جاروبافی را زنده نگه داشته اند و از نی و خاک، آثاری خلق می کنند که نماد اصالت و غرور است. این هنرمندان، با وجود تلاش برای تامین معیشت و حفظ هویت فرهنگی منطقه، به دلیل نداشتن پوشش بیمه تامین اجتماعی، آینده شغلی و امنیت، با چالش جدی مواجه هستند. به گزارش ایرنا، در دل دشت های وسیع و آفتاب خورده منطقه شرق گلستان، جایی که باد بوی نی های تازه را از میان شیراهای زمین به دل آسمان می برد، روستایی آرام و پرکار بنام قره شور جا خوش کرده که با دسترنج و هنر مردمانش، قطب حصیربافی این استان شمالی لقب گرفته است. روستایی که شاید در نگاه اول چیزی جز خانه های ساده و دشت های بی انتها به نظر نرسد اما اگر گوش بسپاری به صدای زندگی در کوچه هایش، چیزی فراتر از روزمرگی را می شنوی، صدای ریز بافته شدن رویاها با دست هایی که سال هاست به خاک، نی و جارو، مهارت و صبر وفادار مانده اند. اینجا در قره شور ۳۵۰ خانوار به حصیربافی و جاروبافی مشغول هستند، خانه های این روستا به کارگاه های همیشه فعال و بی توقف تبدیل شده و مادران، دختران، پدران و پسران همگی پای کارند، انگار زندگی شان را بافته اند در میان همین رشته های نرم و انعطاف پذیر نی و جارو این نی ها و جاروها از زمین می رویند اما در دستان این مردم به آسمان می رسند، سبد، جارو و زیرانداز می شوند، نان حلال بر سفره ای ساده اما پرغرور در قره شور، حصیربافی فقط یک شغل نیست، یک فرهنگ است یک زبان بی کلام اما گویای ریشه دار که از دل نسل های پیشین آمده و تا امروز با همان اصالت و اصالت دوستی حفظ شده، مادر بزرگ هایی که سال ها پیش در کنار نوه هایشان می نشستند و نخ اول نخستین سبد زندگی را نشان می دادند، حالا با چشمانی کم سو و جسمی فرتوت اما پُر تجربه، نظاره گر استمرار راهی هستند که از جنس اصالت و اراده است. نسل امروز قره شور همچنان با همان شور با همان دست های زحمت کش، حصیر و جارو می بافد نه فقط برای گذران معیشت، بلکه برای زنده نگه داشتن هویتی که در تار و پود هر بافت زندگی می کند.

«

نسل جدید؛

پایان اطاعت و عبور از والدین



محمد نادری ملکشا

نسل‌های پیشین به هیچ‌رو نمی‌توانند نماینده یا ترجمان نسل Z باشند؛ چرا که نه شناخت درستی از این نسل

دارند و نه اشتراکات معناداری با آن‌ها. از سوی دیگر، نسل جدید نه‌تنها در مسائل اجتماعی هیچ تکیه‌گاهی به گذشتگان ندارد، بلکه آنان را مانعی در مسیر خود می‌پندارد. پژوهش‌های انجام‌یافته توسط دکتر منصور ساعی به‌وضوح نشان می‌دهد که دغدغه اصلی نسل Z در درجه نخست، عبور از خانواده و نسل پیش از خود است و برای والدین اعتباری قائل نیست. حتی ذهنیت این نسل بدین‌سان است که با مرگ آنان، مسائل حل می‌شود و از ایشان رهایی می‌یابند. از سوی دیگر، این پژوهش به‌طور دقیق نشان می‌دهد که نسل‌های پیش از Z در فضای زندگی اقتدارگرا پرورش یافتند و در خانواده‌هایی با ساختار مستبدانه بزرگ شدند؛ تنها ادعا می‌کنند و شعار دموکراتیک بودن سر می‌دهند، لیکن در عمل چنین نیستند. نسل Z ویژگی منحصربه‌فردی دارد: صرف نظر از هوشمندی و آگاهی جهانی و استفاده از ابزارهای نوین و مدرن، با این حال با وجود آنکه فضای مجازی فیس‌بوک، اینستاگرام و توئیتر - دست‌کم در بُعد ایرانی- عمدتاً آکنده از خشونت کلامی است (به‌ویژه توئیتر که سراسر بازی توهین و فحش است)، این امر ناشی از آن است که نسل Z هنوز با گفت‌وگو و ارتباط، میانه خوبی ندارد. منتها بسیار کمتر از نسل‌های پیشین به خشونت فیزیکی یا مبارزه زیرزمینی تمایل نشان می‌دهد. هرگز علاقه یا میلی به جنگ و انقلاب در این نسل مشاهده نمی‌شود، به دو دلیل؛ نخست آنکه عمده مطالباتشان متوجه خانواده و والدین است و دوم آنکه به‌سبب دلبستگی‌ها و علائق

خاص صرفاً شخصی خود هستند و هرگز خواستار برهم‌زدن وضع موجود نیستند، چون از آنچه دارند لذت می‌بلند. متأسفانه نسل‌های پیشین، به‌دلیل ناتوانی در درک شرایط اجتماعی امروز و عجز از تطبیق با تغییرات ساختار قدرت و حاکمیت، بیهوده به نسل جدید متوسل می‌شوند. آنان با ادعای نمایندگی نسل جدید، کلیت نظم اجتماعی را هدف می‌گیرند، حال‌آنکه نسل جدید هرگز خواستار هرج‌ومرج نیست. نسل Z در پی آرامش و تحقق خواسته‌های فردی خاص خود-آن‌هم بدون خشونت - است. والدین درمانده نیز، از آن‌رو که در عرصه‌های گوناگون پاسخی برای فرزندان خود ندارند، انگشت اتهام را بیشتر به‌سوی حاکمیت نشانه می‌روند تا نسل جدید را برانگیزند که: «عدم موفقیت ما، نتیجه سیاست‌های این حکومت بوده است»؛ غافل از آنکه نسل جدید نه‌تنها درکی از فعالیت سیاسی ندارد، بلکه تمایلی نیز بدان نشان نمی‌دهد. نسل‌های پیشین در پارادوکس خلعت گذشته‌شان به نظام مستقر و خاستگاه امروزی فرزندان‌شان گرفتار آمده‌اند و ناگزیر، در تضادی معنا‌بخش، فرزندان خود را به مسلخ(مبارزه با حاکمیت) دعوت می‌کنند تا از این تناقض بگریزند. خشونت در نهاد نسلی چنان ریشه دوانیده که گریزی از آن نمی‌یابد. رفع درماندگی خویش را در تحریر نسل جدید معصوم چاره می‌جوید و فرزندان این مرز و بوم را ابزار مقاصد خویش می‌سازد، غافل از آنکه نسل جدید به‌کلی با اندیشه‌های نسل پیشین آشناست، چرا که کنش والدین خود را به چشم دیده‌اند. اما این

نسل درمانده است که متأسفانه با نسل Z هیچ آشنایی ندارد. بالعکس حاکمیت، برخلاف نسل درمانده، با ویژگی‌ها و خاستگاه نسل جدید به‌خوبی آشناست. البته این آشنایی به معنای همسویی با خواسته‌های نسل جدید نباید تعبیر شود، بلکه آگاه است بدین معنا که نسل درمانده توان بهره‌گیری از پتانسیل نسل جدید را برای رهایی از اوام و بیماری سادیسم خویش ندارد. نسلی در بند گذشته، اینک می‌کوشد با بازتولید روش‌های خشونت‌بار دهه ۶۰، بنیان‌های نظام سیاسی و نظم اجتماعی را متزلزل سازد و نسل جدید را به کام آتش هرج‌ومرج رهنمون نماید. حال آنکه بسیاری از همین نسل درمانده، حتی سی سال خدمت در دل همین نظام را بر پیشانی خویش یک می‌کشند و از بار مسئولیت پاسخگویی گریزی ندارند. برای فرار از خشم عملکرد گذشته‌شان، فرزندان ستم‌دیده این مرزوبوم و نظم نیم‌بند جامعه ایران عزیز را هدف خودخواهی‌های خود ساخته به‌گروگان گرفته‌اند تا رهایی یابند. در حقیقت، آنان در پی تحقق هدفی پارادوکسیکال‌اند: در پی بازآفرینی وضعیتی به غایت تاریک و تبا‌ه‌اند که در برابر آن، شرایط کنونی همچون سپیدی ناب و آرامش مطلق می‌نماید. ذره‌ای غفلت، آشوبی سهمگین و هرج‌ومرجی ویرانگر را در پی خواهد داشت. گذشته چراغ راه آینده است.

دانش آموخته علوم سیاسی

جهش گردشگری گلستان:

تصویب سه سایت شنا و بازنگری حریم ساحلی



طرح سالم‌سازی سواحل در شهرستان‌های بندرگز، بندرتکمن و گمیشان بود که این طرح‌ها با محوریت اداره‌کل میراث فرهنگی و با همکاری فرمانداران این شهرستان‌ها اجرا خواهد شد و هدف از این طرح‌ها، ایجاد محیطی ایمن و مناسب برای شنا و تفریحات ساحلی است. این پروژه‌ها تا سال آینده به بهره‌برداری خواهند رسید و انتظار می‌رود تأثیر چشمگیری بر بهبود زیرساخت‌های گردشگری منطقه داشته باشند. معاون استاندار گلستان همچنین بر اهمیت برگزاری مراسمات فرهنگی و جشنواره‌های ساحلی در شهرورماه تأکید کرد و گفت: این رویدادها، که با رعایت ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی برگزار می‌شوند، نقش مهمی در تقویت نشاط عمومی و رونق گردشگری دارند. حمیدی ادامه داد: جشنواره‌های ساحلی نه‌تنها فرصتی برای معرفی فرهنگ و آداب‌ورسوم مردم گلستان هستند، بلکه می‌توانند به‌عنوان محرکی برای جذب سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری عمل کنند. تصویب این طرح‌ها و اقدامات پیشنهادی نشان‌دهنده عزم جدی مسئولین استان برای تبدیل سواحل گلستان به مقصدی امن، جذاب و پایدار برای گردشگران داخلی و خارجی است. با اجرای پروژه‌های سالم‌سازی، بازنگری در قوانین ساخت‌وساز و حمایت از رویدادهای فرهنگی، گلستان می‌تواند به یکی از قطب‌های گردشگری ساحلی در ایران تبدیل شود.

گلستان، عقب‌رفتگی محسوس آب دریا در سال‌های اخیر است که بر حریم ساخت‌وساز تأثیر گذاشته و حریم ۶۰ متری فعلی که برای ساخت‌وساز در نظر گرفته شده، با شرایط کنونی سواحل هم‌خوانی ندارد. معاون استاندار گلستان در این جلسه بر لزوم بازنگری در این حریم تأکید کرد و خواستار اصلاح آن شد

پرونده تشکیل داده و از خدمات بیمه‌ای بهره‌مند شوند که این خدمات شامل پوشش ۷۰ درصدی هزینه‌های دارویی و تا ۹۵ درصدی هزینه‌های درمان بیماران سرطانی است. معاون بیمه سلامت گلستان همچنین از ادامه ارائه خدمات توانبخشی به معلولان با معرفی سازمان بهزیستی خبر داد و افزود: طرح پزشک خانواده برای روستاییان و شهرهای زیر ۲۰ هزار نفر جمعیت، طرح جوانی جمعیت، پوشش بیمه‌ای مادران باردار و کودکان تا پنج سالگی و همچنین حمایت از درمان نابابوری با پوشش ۹۰ درصدی در بخش دولتی و ۷۰ درصدی در بخش خصوصی از دیگر برنامه‌های این اداره کل است. صحرایی با اشاره به پوشش بیمه‌ای افراد مجهول‌الیه با همکاری دادگستری و بهزیستی، از توسعه خدمات الکترونیکی برای پاسخگویی به بیمه‌شدگان خبر داد. یک میلیون و ۲۴۰ هزار نفر از ساکنان استان گلستان تحت پوشش خدمات بیمه سلامت قرار دارند.

این سیاست با هدف بهبود دسترسی بیمه‌شدگان به خدمات درمانی و در راستای برنامه هفتم توسعه کشور در حوزه بهداشت و درمان دنبال می‌شود. به گزارش روابط عمومی، علیرضا صحرایی با اشاره به تعامل سازنده این اداره کل با نظام پزشکی و دانشگاه علوم پزشکی گلستان، اظهار کرد: با تدوین شیوه‌نامه‌ای جامع، این طرح تا پایان سال به‌طور کامل اجرا خواهد شد. وی افزود: بر اساس قانون برنامه هفتم توسعه، هرگاه بیمه سلامت نیاز به پزشک متخصص اعلام کند، انعقاد قرارداد با پزشک مربوطه الزامی است. صحرایی در ادامه از پوشش بیمه‌ای ۴۰ هزار بیمار خاص در استان خبر داد و گفت: در حال حاضر ۱۳۷ گروه بیماری خاص تحت پوشش خدمات بیمه سلامت قرار دارند که بیشترین تعداد آن‌ها بیماران دیابتی و سرطانی هستند. وی به بیماران خاص توصیه کرد: افرادی که هنوز تحت پوشش بیمه سلامت قرار نگرفته‌اند، می‌توانند با مراجعه به پایگاه اداره کل بیمه سلامت،

گسترش خدمات بیمه سلامت با تمرکز بر قراردادهای پزشکی

معاون بیمه و خدمات سلامت اداره کل بیمه سلامت گلستان گفت: اولویت این اداره کل در سال جاری، افزایش قراردادهای پزشکان است که



سودمندی های صراحت یک رئیس جمهور



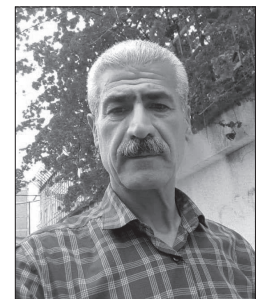
محمود شفیعی

در طول تاریخ طولانی مدت حکومت در ایران همواره حاکمان خود را تافته جدا بافته دانسته و هیچگاه از خلوت خودمآنی تصمیم گیری نمی کاستند و بر جلوت همگانی در تصمیم سازی رو نمی آوردند. همین عادت، در طولانی مدت و بعد از نهادینه گشتن، گونه ای از قداست بر حاکمان خلوت نشین وصله پینه می کرد و به تدریج کوهی از فاصله بین مردم و حکومت به وجود می آورد. بعد از انقلاب اسلامی، به تدریج که سال های اول انقلاب سپری گشت و ماه عسل انقلاب به سر آمد، خوی خود برتر بینی بر حاکمان جدید، بسان آنچه در گذشته نهادینه گشته بود، چیره گشت و آنان را بر دوری گزیدن از چشم سراسر بین ملت قانع ساخت. همین پدیده، خاستگاه بحران های درهم تنیده کشورمان را که همان فاصله عمیق بین دولت و ملت است رقم زد. دچار شدن نظام سیاسی اکنون به انواع گرفتاری ها را، بی تردید،

باید از میوه های زهرآگین شجره خبیثه نظام منهای مردم برشمرد. درون چنین شرایط ملال آوری، موهبت الهی شامل حال مردمان نجیب ایران زمین گشت و رئیس جمهوری از جنس خود آنان بر اریکه قدرت سیاسی نشست. دکتر پزشکبان از روز اول تحویل کلید پاستور تا به امروز، لحظه ای، به لحاظ روحی و روانی، از سواد اعظم مردم، همان ها که در ادبیات دینی رضایت و عدم رضایت شان معیار مشروعیت و نامشروع بودن یک نظام سیاسی است، دوری نگزید. رئیس جمهور صراحت لهجه را در بیان مشکلات و در میان گذاشتن آنها با مردمان خود، بر زبان نفاق و استفاده از توجیهات غلط و تحریف واقعیت ها و خیال بافی ها، اولویت بخشید. در این چارچوب، دکتر پزشکبان ابایی از این نداشت که کمبودهای امروز آب و برق و مجموعه ای بسیار از ناترازی های مربوط به زیرساخت های کشور را

با صراحت، شجاعت و صداقت در محضر عقل عموم در میان بگذارد. سودهای چنین اعترافی فراوان است. با نپوشاندن دردهای مزمن، خود به خود، درمان آنها در اولویت دولت قرار می گیرد. با به رسمیت شناختن کمبودهای کشور همه راه کارها برای حل آنها بسیج می گردد. با عمومی سازی مسائل اقتصادی کشور از نیروی مادی و معنوی بی پایان مردمی در حل مسائل درهم تنیده کشور بهتر می توان سود جست. اما مهمتر از همه، چنین اعترافاتی اعتماد مردم بر حکومت را افزایش می دهد و فاصله غیرقابل قبول فعلی بین مردم و حکومت کاهش می یابد. دولتیان با این رویه می توانند به دولت مرد تبدیل گردند و با تکیه بر قدرت ملی، اقتدار خود را بازبند و آن را همیشگی سازند. دولت نیرومند و پایدار محصول جامعه آگاه و مقتدری است که حکومتش را نامحرم نمی داند و دولت را نماینده خود می شناسد.

چهارمین شکست بهشتی سازه در گرگان رقم خورد



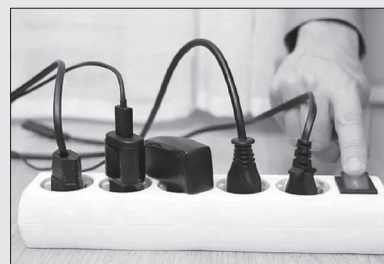
بهنام نیک پیام

سونگون درگرگان که بسیار خوب ظاهرشد ومستحق پیروزی بود، در این دیدار از همان دقایق نخست بدبازی کرد و به نوعی سردرگم، خسته و بی برنامه به نظر می رسید. دقایق زیادی توپ را در زمین خود و یا میانه میدان در اختیار داشت اما روی دروازه ی حریف خطر جدی خلق نکرد. در محدود دفعاتی هم که صاحب موقعیت شد قدرآن ها را ندانست وشاید هم توانایی گشودن دروازه ی تیم عرشیا رانداشت که به ثمرنسیلن توپ های آخر مشکل بزرگ این تیم تازه وارده لیگ برتر است. دوتیم با ارایه ی یک بازی کسل وخسته کننده نیمه ی اول را صفر برصفر به رختکن رفتند ودرنیمه ی دوم تیم بهشتی سازه با تشویق هواداران رویه جلو حرکت کرد وصاحب یکی دو موقعیت شد اما طرفی نیست و دقایقی بعد به علت تعلل و روی یک اتفاق دروازه اش توسط محمد زارعی باز شد. باخوردن گل و واگذاری نتیجه وضعیت تیم میزبان آشفته تر شد و برغم تشویق هواداران باز هم خلاقیتی از آن دیده نشد و هرچه زمان بیشتری از

مسابقه سپری شد استرس بازیکنان آن بالاتر رفت که به نظرمی رسید انگیزه وطراوت لازم را ندارند. این مسابقه دریایان با همان تک گل محمدزارعی به نفع تیم عرشیا آذربایجان شهرقدس تمام شد. شایدسه شکست از سه دیدار گذشته باعث استرس و فشار زیاد بروی بازیکنان وکادرفنی شده وتاثیرمنفی برروحیه ی آن هاگذاشته باشد. همچنین ممکن است خستگی ناشی از فشردگی مسابقات به همراه فشارهای روحی و روانی نیز باعث نتیجه نگرفتن این تیم شده باشد وگرنه در دو دیداری که در گرگان میزبان بود در مجموع بازی بدی ارایه نداد که با این سبک بازی می بایست تاکنون حداقل یک برد ویک مساوی کسب کرده باشد اما از اینکه درچهار دیدار چیزی جز چهار باخت نصیبش نشده باید ازسوی مدیریت وکادرفنی تیم آسیب شناسی جدی صورت بگیرد. به گفته چند تن از کارشناسان، تیم بهشتی سازه پتانسیل ماندن درلیگ برتر را دارد به شرطی که تا دیرنشده برای برطرف نمودن معایب وتقویت نقاط قوتش برنامه ریزی نماید.

در هفته ی چهارم لیگ برتر فوتسال کشور، تیم بهشتی سازه در گرگان پذیرای عرشیا آذربایجان شهرقدس بود که پس از چهل دقیقه پیکار نتیجه را یک برصفر به مهمان واگذار کرد تا چهارمین شکست پی درپی در کارنامه اش به ثبت برسد. بهشتی سازه برخلاف بازی با مس

وسایلی که شبها باید خاموش شوند!



فایده خاموشی: کاهش مصرف برق، جلوگیری از فرسودگی مدارهای داخلی، و آرامش بصری در اتاق خواب. شارژر موبایل (و لپ‌تاپ): دشمن خاموش امنیت وقتی گوشی یا لپ‌تاپ کاملاً شارژ شده‌اند اما هنوز به شارژر متصل‌اند، نه تنها برق هدر می‌رود، بلکه احتمال گرم‌شدن بیش از حد و حتی آتش‌سوزی وجود دارد. فایده خاموشی: کاهش خطر آتش‌سوزی، افزایش عمر باتری، امنیت بیشتر. دستگاه قهوه‌ساز، چای‌ساز و ماکروویو: مصرف‌کنندگان کم‌سروصدا این وسایل معمولاً ساعت دیجیتال و چرخ‌نمایشگر دارند که همیشه برق مصرف می‌کنند، حتی زمانی که استفاده نمی‌شوند. فایده خاموشی: جلوگیری از مصرف پنهان، افزایش عمر دستگاه. رایانه شخصی و مانیتور: مغز دیجیتال را بخوابانید روشن‌بودن رایانه یا ماندن در حالت Sleep باعث مصرف برق و کاهش عمر سخت‌افزار می‌شود. فایده خاموشی: صرفه‌جویی در مصرف انرژی،

کاهش صلی فن و حرارت، افزایش کارایی سیستم. چراغ‌های تزئینی و نورهای خواب (Night Light): نورهایی که خواب را می‌ریابند قرار گرفتن در معرض نور مصنوعی در طول شب، می‌تواند ترشح ملاتونین (هورمون خواب) را کاهش دهد. فایده خاموشی: تنظیم بهتر ریتم شبانه‌روزی بدن (ساعت بیولوژیک)، کیفیت خواب بهتر. کولر گازی و بخاری برقی (در حالت بی‌نیاز): مصرف بی‌مورد در خواب بی‌خبر اگر دمای اتاق در طول شب مناسب است، ادامه کار این وسایل نه‌تنه‌ای فایده، بلکه مضر است. افزایش خشکی هوا یا کاهش دما در نیمه‌شب می‌تواند سلامت‌تان را تهدید کند. فایده خاموشی: صرفه‌جویی مالی، پیشگیری از حساسیت‌های تنفسی، خواب راحت‌تر. نکته طلایی: دشمنان پنهان برق، همیشه روشن‌اند بیش از ۱۰ درصد مصرف برق خانگی مربوط به وسایلی است که خاموش‌اند، اما هنوز به برق وصل‌اند! این پدیده را مصرف در حالت آماده‌به‌کار (Standby Power) می‌نامند. اگر فقط یک سهرای هوشمند بخرید که همه این وسایل را با یک کلید خاموش کند، می‌توانید ماهانه تا ده‌ها هزار تومان صرفه‌جویی کنید. خاموشی شبانه، فقط به معنای تاریکی نیست؛ یعنی احترام به بدن، جیب و خانه. دفعه بعد که به تخت‌خواب می‌روید، یادتان باشد: قبل از خاموش کردن چراغ، وسایل برقی را هم به خواب دعوت کنید. آن‌ها بیشتر از شما نیاز به استراحت دارند!

حرف مردم

عروسی در کوچه‌ی مشتی ممدلی

بالاخره عروسی به کوچه‌ی ما هم رسید و امروز (شنبه ۱۸ مرداد) در محله‌مان شاهد دو نوبت قطعی برق دو ساعته بودیم. یک بار از یازده صبح تا یک بعلاظظهر و بار دیگر از پنج تا هفت عصر آن‌هم در این گرمای طاقت‌شکن خواه‌ناخواه دیگر محلات شهر هم شاهد این عروسی میمنت‌آثر بوده‌اند و مسلماً در روزهای آینده هم تکرار خواهد شد که این «تازه اول عشقه». وضعیت آب هم بهتر از این نیست و روزبه‌روز بدتر و خراب‌تر می‌شود. در تمام این چند سال اخیر از حدود ۷ عصر آب قطع می‌شد تا ۷ صبح فردا، یعنی نیمی از شبانه‌روز آب قطع بود و تازه‌گی‌ها و بعد از چند سال مداومت این روش مسئولین سازمان آب هم به آن اعتراف کرده‌اند، اما مدتی‌ست که ساعت قطع آب را جلو کشیده و از آن‌سو ساعت وصل آب را عقب‌کشیده‌اند طوری که اینک دقایقی قبیل از ساعت ۵ عصر (دو ساعت زودتر) آب را به روی مردم می‌بنند و صبح روز بعد هم دو ساعت دیرتر آب وصل می‌شود که در مجموع ۴ ساعت به زمان قطع آب افزوده‌اند، یعنی از ۲۴ ساعت شبانه‌روز، حدود ۸ ساعت آب جریان دارد، یعنی در ۱۶ ساعت از شبانه‌روز مردم نه حق دست‌شویی رفتن دارند و نه حق دوش گرفتن در این گرمای عرق‌ریز و نه حتا وضو گرفتن و نماز خواندن و کلاً روزانه ۱۶ ساعت زنده‌گی تعطیل است آن‌وقت حضرات برای زنگ‌رور سینه چاک می‌دهند و تهدید هم می‌کنند. وقتی نمی‌توانید در چارنبواری خودتان تدبیری جز تعطیلی برای مدیریت آب و برق مصرفی مردم به خرج دهید در زنگ‌رور چه گلی می‌خواهید به سر خودتان و این ملت بزیند که این‌همه هیاهو سر می‌دهید، آن‌هم برای هیچ؟ فقط محض قدرت‌نمایی و اعلام وجود؟ ما چه‌گونه باور کنیم که وزارت نیرو و ادارات برق شهرستان نمی‌توانند استفاده‌کننده‌گان از ماینر را شناسایی کنند؟ مگر برای‌شان قبض برق صادر نمی‌شود؟ البته تعدادی را شناسایی کرده و گرفته‌اند، اما چه کسانی را؟ به قول معروف فقط «آفتابه‌زده‌ها را گرفته‌اند و زردان سرگردنه طبق معمول با آسوده‌گی خیال مشغول درو کردن هستند و کسی را یارای مقابله با آنان نیست. چرا و به چه دلیل سراغ گرفته‌بگیرها نمی‌روند. دست‌کم دلیلس را به‌طور واضح برای مردم شرح دهند و بگویند چون فلاں و بهمان به فلاں‌جا و بهمان‌جا وصل هستند قادر به جلوگیری از آن نیستیم. زورمان نمی‌رسد. بالاخره باید پاسخ قانع‌کننده‌ای به این ملت نجیب و سربه‌راه داد.

مخاطب روزنامه



مفاهیم ذات‌گرایانه هویت را به چالش می‌کشد و نشان می‌دهد که «خود» همیشه در حال تغییر است، همیشه ترکیبی از تأثیرات. از این نظر، فیلم «بیچارگان» با «مانیفست سایبورگ» (۱۹۸۵) اثر دونا هارایو همسو است، که استدلال می‌کند مرزهای بین انسان، حیوان و ماشین متخلخل است و پذیرش این سیالیت می‌تواند رهایی‌بخش باشد. با این حال، این فیلم همچنین در مورد خطرات جاه‌طلبی‌های علمی کنترل‌نشده هشدار می‌دهد. عقده خدایی بکستر، بازتابی از غرور و تکبر فرآینسان‌گرایان سیلیکون ولی (Silicon Valley) است که معتقدند می‌توانند بشریت را «بهینه» کنند. رنج بلا - سردرگمی او، استثمار او - به‌عنوان یک داستان هشداردهنده عمل می‌کند: خلقت بدون همدلی، استبداد است.

۳. جنسیت، قدرت و سیاست عاملیت

بدن بلا یک میدان نبرد است. از لحظه تولد دوباره‌اش، مردان به دنبال کنترل او هستند: گادوین به‌عنوان سرپرست پدرسالارانه‌اش، و دربرن به‌عنوان معشوقه مالکیت‌طلب او، و بعداً، مجموعه‌ای از چهره‌ها که او را یا یک آزمایش، یک فاحشه یا یک زن دیوانه می‌بینند. بنابراین، سفر او، سفری برای بازپس‌گیری عاملیت در جهانی است که حق حاکمیت زنان بر بدن خود را انکار می‌کند. نقد فمینیستی فیلم بسیار تند و تیز است. رفتار اولیه بلا با زنان به‌عنوان یک کودک، نشان می‌دهد که چگونه جوامع مردسالار در طول تاریخ (و در حال حاضر) با زنان به‌عنوان یک کودک رفتار می‌کنند و استقلال کامل آنها را تحت پوشش حمایت، انکار می‌کنند. آزادی جنسی او نه تنها شخصی، بلکه سیاسی است - رد دوگانه‌ی مدونا-فاحشه که به‌دنبال دسته‌بندی میل زنانه به‌عنوان خالص یا منحرف است. با این حال، فیلم «بیچارگان» از روایت‌های توانمندسازی ساده‌انگارانه اجتناب می‌کند. آزادی بلا به سختی به دست آمده و آشفته است. او اشتباه می‌کند، به دیگران آسیب می‌رساند و خودش نیز مورد خشونت قرار می‌گیرد. این پیچیدگی، او را (با توجه به ریشه‌هایش، از قضا) انسانی‌تر از اکثر شخصیت‌های زن سینما می‌کند، که اغلب به جای موجودات کاملاً تحقق‌یافته، به نمادها تبدیل می‌شوند.

۴. زیبایی و وحشت شدن

«بیچارگان» فیلمی از تناقضات است - خنده‌دار و وحشتناک، گروتسک و باشکوه، بدبین و امیدوار. این داستانی است درباره رنج و وجد خودسازی، درباره شیوه‌هایی که ما توسط نیروهای فراتر از کنترل‌مان شکل می‌گیریم، و عمل رادیکال ابراز هویت شخصی در هر صورت. بلا بکستر چیزی بیش از یک آزمایش فرانکنشتاینی است؛ او آینده‌ای است که رو به مخاطب گرفته شده و می‌پرسد: چقدر از «خود» شما واقعاً مال خودتان است؟ چقدر به شما تحمیل شده است؟ و برای رهایی از آن چه چیزی لازم است؟ در نهایت، «بیچارگان» پاسخ‌های آسانی ارائه نمی‌دهد. اما ما را به چالش می‌کشد تا جهانی را تصور کنیم که در آن هویت نه یک زندان، بلکه یک بوم نقاشی است - جایی که ما، مانند بلا، می‌توانیم خودمان را با یک ضربه آشفته و باشکوه در یک زمان به وجود بیاوریم.

مونشاهوزن» (۱۹۸۸) تری گیلیام و انیمیشن‌های استاپ‌موشن گروتسک یان شوانکمایر است، دنیای بلا را هم غریب و هم عمیقاً نگران‌کننده جلوه می‌دهد. لنزهای چشم‌ماهی کج‌ومعوج، صحنه‌های اغراق‌آمیز و فناوری‌های نابهنگام، حس بیگانگی را برمی‌انگیزند و مخاطب را مجبور می‌کنند سفر بلا را هم به‌عنوان یک افسانه و هم یک آزمایش روانشناختی ببینند. تکامل بلا سنت رمان تربیتی را منعکس می‌کند، اما با یک پیچش اساسی: «تحصیل» او صرفاً در مورد بلوغ نیست، بلکه در مورد تحمیل خشونت‌آمیز و رد متعاقب هنجارهای اجتماعی است. همچنان که او از معصومیت به خودآگاهی پیشرفت می‌کند، به تجسم زنده‌ای از لوح سفید جان لاک تبدیل می‌شود - این ایده که ذهن به‌عنوان یک لوح سفید آغاز می‌شود و کاملاً توسط تجربه شکل می‌گیرد. با این حال، برخلاف تجربه‌گرایی خوش‌بینانه لاک، بیداری بلا مملو از اجبار، استثمار و تهدید مداوم سلطه مردسالارانه است.

۲. مبانی فلسفی: اراده آزاد، جبرگرایی و ساخت خود

الف. پارادوکس فرانکنشتاینی: خالق در مقابل خلقت

فرانکنشتاین مری شلی (۱۸۱۸) بر فیلم «بیچارگان» سایه افکنده است، به‌ویژه به‌خاطر کاوش در مورد مسئولیت خالق و استقلال مخلوق. دکتر بکستر، بسیار شبیه ویکتور فرانکنشتاین، بدون در نظر گرفتن پیامدهای اخلاقی آزمایش خود، نقش خدا را بازی می‌کند. با این حال، درحالی‌که مخلوق شلی بلافاصله از رنج خود آگاه است، بلا در حالت غریزه خالص شروع می‌کند و به فیلم اجازه می‌دهد تا چگونگی ساخت خود آگاهی را بررسی کند. سوال فلسفی اصلی اینجا این است: آیا بلا اراده آزاد دارد یا رشد او توسط طرح خالقش از پیش تعیین شده است؟ در ابتدا، اعمال او کاملاً واکنشی به نظر می‌رسد - او زبان را تقلید می‌کند، از دستورات اطاعت می‌کند و جهان را با کنجکاوی کودکانه کاوش می‌کند. اما با کسب توانایی‌های زبانی و فکری، شروع به مقاومت می‌کند. شورش او علیه گادوین، بیداری جنسی او و در نهایت جدایی‌اش با وکیل شهوت‌انگیز دانکن و دربرن (مارک رافالو) همگی نشان دهنده یک استقلال نوظهور است. با این حال، حتی سرپیچی او نیز ممکن است بخشی از برنامه‌ریزی او باشد. اگر مغز او از قبل با آگاهی نوپای فرزند متولد نشده‌اش پر شده باشد، تا چه حد خود او واقعا متعلق به خودش است؟ این معضل، مباحثات در علوم شناختی و فلسفه ذهن را منعکس می‌کند: آیا آگاهی یک ویژگی نوظهور از پیچیدگی عصبی است، یا یک خود غیرقابل توصیف وجود دارد که از شرطی‌سازی مادی فراتر می‌رود؟

ب. اگزستانسیالیسم و پوچی

سفر بلا همچنین با اندیشه اگزستانسیالیستی، به‌ویژه ادعای آلبر کامو مبنی بر اینکه معنای زندگی داده نمی‌شود، بلکه ساخته می‌شود، همسو است. بلا مانند سیزف، به یک وجود پوچ پرتاب می‌شود - بدون رضایت دوباره زنده می‌شود، تحت آزمایش‌های عجیب و غریب قرار می‌گیرد و مجبور می‌شود در جهانی که بین ظلم و شگفتی در نوسان است، حرکت کند. با این حال، برخلاف قهرمان تسلیم‌شده کامو، بلا با شور و شوق لذت‌جویانه، پوچی را در آغوش می‌گیرد. به‌ویژه، آزادی جنسی او به عملی از سرکشی وجودی تبدیل می‌شود. در جامعه‌ای که میل زنانه را کنترل می‌کند، جستجوی بی‌چون‌وچرای لذت بلا - چه با ودربرن، چه با دیگر معشوقان، یا در فاحشه‌خانه‌های لیسبون - مفهوم ویکتوریایی (و مدرن) را واژگون می‌کند؛ در مورد اینکه بدن زنان محل تنظیم اخلاقی است. امتناع او از احساس شرم، استدلال سیمون دوپوار در کتاب «جنس دوم» (۱۹۴۹) را منعکس می‌کند که زن زاده نمی‌شود، بلکه ساخته می‌شود - اینکه زنانگی ساختاری است که برای محدود کردن طراحی شده است.

ج. پسانسان‌گرایی و اخلاق بهبود

فیلم «بیچارگان» همچنین به گفتمان پسانسان‌گرایی می‌پردازد، به‌ویژه به این سوال که آیا تقویت تکنولوژیکی یا علمی می‌تواند از محدودیت‌های انسانی فراتر رود یا خیر. آزمایش‌های دکتر بکستر - ترکیب اجزای حیوانات و انسان‌ها، احیای اجساد - روای فرآینسان‌گرایی غلبه بر مرگ و میر را تداعی می‌کند. اما فیلم در مورد چنین تلاش‌هایی عمیقاً دوپهلو است. وجود بلا هم معجزه‌آسا و هم هیولاگونه است. او موجودی وصله‌دار است، نه کاملاً زنده و نه مرده، نه کاملاً زن و نه کودک. دورگه بودن او

«

کیمیاگری هویت و آزادی:

کاوشی در فیلم بیچارگان (Poor Things)



سید حمید شریف‌نیا

فیلم «بیچارگان» اثر یورگوس لانتیموس، یک ادیسه سینمایی است که با ترکیب زیبایی گروتسک، طنز تلخ و پرسش‌های عمیق فلسفی، از داستان‌سرایی مرسوم سرپیچی می‌کند. این فیلم که بر اساس رمانی به همین نام نوشته آلاسدير گری در سال ۱۹۹۲ ساخته شده، بازآفرینی سورئال اسطوره فرانکنشتاین است که از درپچه اگزستانسیالیسم فمینیستی، نظریه پسانسان‌گرایی و تنش ابدی بین اراده آزاد و جبرگرایی، به تصویر کشیده شده است. در هسته خود، «بیچارگان» تأملی بر ساخت خودشناسی است - اینکه چگونه هویت از طریق تجربه، تروما و شرطی‌سازی اجتماعی شکل می‌گیرد و اینکه آیا استقلال واقعی در جهانی که توسط ساختارهای قدرت اداره می‌شود، امکان‌پذیر است یا خیر. فیلم «بیچارگان» در اصل، تأملی بر ساخت خودشناسی است. «بیچارگان» با زیبایی‌شناسی بصری باروک، تغییرات لحنی نگران‌کننده و بازی خیره‌کننده اما استون در نقش بلا بکستر - زنی که با ذهن یک نوزاد دوباره زنده شده است - ما را وادار می‌کند تا از خود بپرسیم که انسان بودن، آزاد بودن و خود بودن به چه معناست. این مقاله روایت و انتخاب‌های سبکی فیلم را موشکافی می‌کند، بنیان‌های فلسفی آن را بررسی می‌کند و آن را در گفتمان‌های گسترده‌تر در مورد جنسیت، عاملیت و اخلاق خلقت قرار می‌دهد.

۱. تولد دوباره گوتیک: دنیای روایی و

زیبایی‌شناختی چیزهای فقیر

فیلم در یک دوره ویکتوریایی خیالی و استیم‌پانک‌گونه آغاز می‌شود، جایی که دکتر گادوین بکستر (ویلیم دافو)، دانشمندی بدقیافه و از نظر اخلاقی مبهم، با کاشت مغز فرزند متولد نشده خود در بدن زنی غرق شده، او را زنده می‌کند. نتیجه بلا بکستر است - زنی کاملاً بالغ با آگاهی یک نوزاد که به سرعت از یاهو‌گویی‌های نامنسجم به پرسش‌های فلسفی تبدیل می‌شود. پوچ‌گرایی بی‌روح مختص لانتیموس در سراسر فیلم نفوذ کرده و فضایی ناموزون ایجاد می‌کند که بین کم‌ملی سیاه و وحشت وجودی در نوسان است. طراحی صحنه، که یادآور «ماجرای بارون

مربیان آگاهی جنسی را به کودکان منتقل کنند

از خود داشته باشند. آموزش احساسات، نام گذاری اندام‌ها به درستی، و تمرین گفت‌وگو درباره موقعیت‌های مشکوک با والد یا معلم، مهارت‌هایی است که می‌توان در قالب بازی، قصه و آموزش‌های غیرمستقیم به کودک آموخت. این دبیر مدرسه پس از سالها تجربه در امر تدریس در مدرسه و در ارتباط مستقیم با دانش آموزان در خصوص نادیده گرفته شدن تربیت جنسی در مدارس ابتدایی گفت: تربیت جنسی در دوران ابتدایی، برخلاف تصور رایج، صحبت از مسائل بزرگسالانه نیست، بلکه درباره آموزش مهارت‌هایی چون شناخت بدن، حفظ حریم شخصی، آشنایی با مفهوم نه گفتن و تشخیص موقعیت‌های ناامن است. آموزش تدریجی و علمی این مفاهیم در مدرسه، می‌تواند از بسیاری از آسیب‌های جنسی و روانی در آینده پیشگیری کند. کودک نیز می‌تواند با آموزش صحیح، تبدیل به فردی آگاه و توانمند شود؛ کسی که می‌داند چگونه از بدن خود مراقبت کند، در موقعیت‌های خطرناک کمک بخواند و بین لمس خوب و بد تمایز قائل شود. معلمان با ایجاد فضای امن، پذیرنده و بدون قضاوت، نقش کلیدی در تربیت جنسی ایفا می‌کنند. استفاده از کتاب‌ها و بازی‌های مناسب سن، آموزش مهارت‌های خودمراقبتی، و گفت‌وگوی غیرمستقیم درباره احساسات، از جمله روش‌هایی است که می‌تواند همزمان با آموزش رسمی در کلاس، به کودکان در شناخت مرزهای شخصی کمک کند. مدارس با برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای والدین و معلمان، می‌توانند هماهنگی مؤثری بین خانه و مدرسه ایجاد کنند. مهری زارع همچنین افزود: والدین باید کنجکاوی‌های جنسی کودک را به‌عنوان بخشی طبیعی از رشد بشناسند و پاسخ‌هایی صادقانه، کوتاه و متناسب با سن کودک ارائه دهند. نادیده گرفتن یا سرکوب این پرسش‌ها، کودک را به سمت منابع نادرست سوق می‌دهد. کودک نیز می‌تواند با آموزش صحیح، تبدیل به فردی آگاه و توانمند شود؛ کسی که می‌داند چگونه از بدن خود مراقبت کند، در موقعیت‌های خطرناک کمک بخواند و بین لمس خوب و بد تمایز قائل شود. تربیت جنسی سالم، پایه‌گذار جامعه‌ای آگاه، امن و سالم است؛ اگر خانواده، مدرسه و کودک، هر سه در این مسیر با هم حرکت کنند.



کودکان شده است. آموزش تدریجی، متناسب با سن و فضای فرهنگی کودک، از ارکان اصلی پیشگیری در این حوزه است. مدرسه، به‌عنوان دومین نهاد تربیتی پس از خانواده، می‌تواند در نقش یک پایگاه ایمن و قابل اعتماد عمل کند. جایی که کودکان نه تنها اطلاعات درست دریافت کنند، بلکه بیاموزند چگونه از خود محافظت کنند. حضور معلمانی آموزش‌دیده که با زبان کودک و اصول روان‌شناسی رشد آشنا هستند، می‌تواند در کاهش آسیب‌های جنسی مؤثر باشد. در واقع، معلمان می‌توانند با آموزش مفاهیم ساده‌ای مثل حریم شخصی، نه گفتن و اعتماد به والدین در زمان خطر، به خودآگاهی جنسی کودک کمک کنند. زارع با حیاتی دانستن نقش والدین و نقش والدین نیز در این امر اظهار داشت: والدینی که از کنجکاوی جنسی کودک ترسند و به جای سرکوب، پاسخ‌هایی ساده، علمی و متناسب با سن کودک ارائه دهند، زمینه‌ساز شکل‌گیری درک درستی از بدن، حریم و احترام می‌شوند. تعامل خانه و مدرسه، با رویکردی همدلانه، در پیشگیری از سوءاستفاده‌ها بسیار مؤثر است. کودکان نیز باید یاد بگیرند که نقش فعالی در محافظت

ابتدایی آموزش‌های تخصصی در حوزه تربیت جنسی دریافت کنند تا هم خودشان دچار سردرگمی نشوند و هم بتوانند در کنار والدین، نقش مؤثری در پیشگیری از آزارهای جنسی و ارتقاء سلامت روانی ایفا کنند. در این میان نقش کودکان نیز نباید نادیده گرفته شود، با آموزش مهارت‌های ارتباطی، جرات‌ورزی و شناخت احساسات، آن‌ها می‌آموزند چگونه از خود محافظت کرده و در صورت مواجهه با خطر، بدون ترس یا شرم، موضوع را به بزرگ‌ترهای امن خود اطلاع دهند. در نهایت، هماهنگی خانه و مدرسه در این مسیر، ضامن رشد سالم کودکان در جامعه‌ای آگاه و امن خواهد بود.

تربیت جنسی، کلید امنیت و ساختن نسلی آگاه و توانمند

این روانشناس معتقد است؛ با رشد سریع کودکان در دنیای امروز و دسترسی بی‌مرز به اطلاعات، تربیت جنسی صحیح دیگر یک انتخاب نیست، بلکه ضرورتی آموزشی است. متأسفانه، تابو بودن این موضوع در بسیاری از مدارس ابتدایی منجر به شکل‌گیری رفتارهای اشتباه یا پرخطر در

تربیت جنسی در دوران ابتدایی، برخلاف تصور رایج، صحبت از مسائل بزرگسالانه نیست، بلکه درباره آموزش مهارت‌هایی چون شناخت بدن، حفظ حریم شخصی، آشنایی با مفهوم نه گفتن و تشخیص موقعیت‌های ناامن است. آموزش تدریجی و علمی این مفاهیم می‌تواند از بسیاری از آسیب‌های جنسی و روانی در آینده پیشگیری کرده و پایه‌گذار جامعه‌ای آگاه، امن و سالم باشد. به گزارش ایرنا زندگی، گاهی والدین با شنیدن آموزش جنسی در مدارس ابتدایی، یا تعجب می‌کنند و یا دلهره حدود این آموزش را پیدا می‌کنند. باید گفت؛ آموزش جنسی در مدارس ابتدایی باید به جای تمرکز بر فعالیت جنسی، بر مباحث متناسب با سن کودک مانند درک بدن، بلوغ، روابط سالم و مرزها تمرکز کند. هدف از این آموزش، فراهم کردن پایه و اساس برای رشد سالم، تعاملات محترمانه و تصمیم‌گیری مسئولانه بوده و شامل؛ یادگیری در مورد انواع مختلف خانواده‌ها، نقش‌های جنسیتی و احترام به فضای شخصی است. در این خصوص با مهری زارع دایرجانی، روانشناس، مشاور و در عین حال دبیر مدرسه ابتدایی به گفت‌وگو نشستیم.

لزوم آموزش جنسی در مدارس ابتدایی

زارع پیشگیری از آسیب‌های پنهان آموزش مسائل جنسی در سنین ابتدایی را یکی از حساس‌ترین و در عین حال ضروری‌ترین بخش‌های تربیت کودک دانست و گفت: در این دوره، کنجکاوی جنسی امری طبیعی بوده و سرکوب یا بی‌توجهی به آن می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های جدی‌تر در آینده کودک شود. والدین و مربیان باید بدانند که تربیت جنسی صرفاً به آموزش اندام‌های بدن محدود نمی‌شود، بلکه مفاهیمی مانند احترام به بدن خود و دیگران، حریم خصوصی، احساسات و مهارت نه گفتن را نیز در برمی‌گیرد. در این میان، مدارس و معلمان می‌توانند با بهره‌گیری از شیوه‌های غیرمستقیم و متناسب با سن، نقش کلیدی در آگاهی بخشی ایفا کنند. وی ادامه داد: استفاده از قصه‌ها، بازی‌ها، نمایش‌های ساده و برنامه‌های مشارکتی، به کودک کمک می‌کند تا ضمن حفظ معصومیت کودکان، از حق آگاهی و محافظت از خود برخوردار باشد. همچنین لازم است که معلمان دوره

هدف نظام مهندسی ساختمان ارتقای شفافیت و خدمت‌رسانی است

به صورت دستی صادر می‌شود. وی همچنین توضیح داد که فرآیند بررسی نقشه‌ها در نظام مهندسی حداکثر یک هفته و معرفی مهندس ناظر دو تا سه هفته طول می‌کشد، اما تأخیرهای احتمالی اغلب به مراحل پیش از ورود به سازمان، مانند تهیه نقشه توسط مالکان، مربوط است. کریمی با اشاره به حضور حدود ۱۳ هزار عضو در سازمان، از فراهم‌سازی بسترهای لازم برای مهندسان جوان سخن گفت و اظهار کرد: با برگزاری آزمون‌های پروانه اشتغال و ایجاد ظرفیت‌های جدید در حوزه‌هایی مانند سرپرستی کارگاه‌ها و گودبرداری، فرصت‌های شغلی برای این گروه فراهم شده است. وی از طرح‌هایی مانند جمع‌آوری آب‌های سطحی و استفاده از انرژی‌های پاک در شورای مرکزی نظام مهندسی خبر داد و افزود: تعاملات گسترده با شهرداری، اداره کل راه و شهرسازی، استانداری و دیگر نهادها، زمینه‌ساز رفع مشکلات و افزایش رضایتمندی مردم و مهندسان شده است.



دریافت می‌کنند، خبر داد و گفت: این شناسنامه در گرگان به صورت الکترونیکی و در سایر شهرستان‌ها

سازمان نظام مهندسی گلستان از الزام صدور شناسنامه فنی ملکی برای تمام ساختمان‌هایی که پایان کار

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان گلستان از عزم این سازمان برای سالم‌سازی فضای حرفه‌ای و ارتقای خدمات به مهندسان و مردم خبر داد و با تأکید بر اهمیت مقابله با تعارض منافع، گفت: این رویکرد از هیئت مدیره آغاز شده و هیچ‌یک از اعضای آن فعالیت‌های خارج از مسوولیت‌های سازمانی ندارند. به گزارش روابط عمومی، ابراهیم کریمی با اشاره به نظارت دقیق بر فرآیندهای سازمان، از کنترل الکترونیکی نقشه‌ها به‌عنوان گامی مؤثر در جلوگیری از تخلفات یاد کرد. وی افزود: کمیته‌های بازرسی و وحدت رویه برای اولین بار به صورت مستمر و هفتگی دفاتر شهرستانی را بررسی می‌کنند و پرونده‌های متخلفان به شورای انتظامی ارجاع می‌شود. کریمی ادامه داد: این شورا با حضور نمایندگان قانونی و قضایی، احکامی از تذکر تا ابطال پروانه اشتغال صادر می‌کند که نمونه‌ای بی‌سابقه از آن، ابطال پروانه یک مهندس به دلیل جعل مدارک بوده است. رئیس